



برداشت‌های سیاستی

از گفت‌وگوهای کرونایی



مهدی مولائی آرانی *

ویروس کرونا که از اسفند ۹۸ در کشور ایران فراگیر شد، تأثیراتی فراتر از ابعاد پزشکی و بهداشتی بر زندگی و زیست فردی و اجتماعی داشت. این ویروس متقلب، ۲ تعاملات اجتماعی و روزمره انسان‌ها را به چالش کشیده و نظام‌های آموزشی و مدارس را از فضای حقیقی به فضای مجازی سوق داده است. انگاره اقتدار انسان امروزی را فروریخته و گرایش به معنویت و ساحت‌های غیرمادی را افزوده. شباهت کلامی و اعتقادی درباره شرّ و نسبت آن با این ویروس و عمل کردن انسان به وجود آورده است، تعطیلی اماکن متبرکه و اعتاب مقدسه را با خود به همراه داشته. نظام‌های حکمرانی کشورها را در معرض یک آزمون جدی و واقعی نهاده و الگوهای مدیریتی مختلف از شرق تا غرب عالم را در مقابل یک آزمون مشخص در معرض داوری قرار داده است.

● بخش اول: دین‌داری اجتماعی و کرونا

مجموعه مباحث و موضوعاتی که در براینده این مطالب مطرح شده، به شرح زیر است:

۱. تأثیر کرونا بر مناسک دینی: بررسی تأثیر کرونا بر عبادات و مناسک، یکی از دغدغه‌های اصلی و بینارها بود، که در این زمینه نظریات زیر مطرح گردید:

اگرچه کرونا مناسک جمعی را که هویت دینی جامعه ایران بر مبنای آن تعریف شده، مورد هدف قرار داده است، اما با توجه به اقتضائات خاص دینی گفتنی است، تأثیر کرونا و تعطیلی مناسک و مساجد، تأثیر جدی بر دین‌داری مردم نخواهد داشت.

حضور پررنگ نیروهای دینی در خدمات اجتماعی و کمک به مستمندان و نیازمندان و پشتیبانی در عرصه‌های مختلف، مناسک جدیدی از دین در عرصه خدمات اجتماعی را به نمایش گذاشت و این قابلیت و ظرفیت دین اسلام است که با تعطیلی موقت یک بخش، می‌تواند به سرعت و متناسب با نیازهای جامعه، مناسک جدید اجتماعی را ایجاد کند.

با توجه به پیوستگی و وحدت میان ابعاد ظاهری و باطنی دین‌داری، کرونا فرصتی برای تمرکز بر ابعاد باطنی دین مانند مرگ‌آگاهی شده است و مؤمنان از این فرصت برای تدبیر در این لایه‌ها استفاده خواهند کرد. البته گروهی دیگر از استادان، این اتفاق را فرصتی

مکاتب نظری، فلسفی، عرفانی و علوم مختلف را از عرصه نظر به عمل وارد کشانده تا عیار هر مکتب و نظریه در واقعیت نشان داده شود. دوگانه‌های اخلاقی جدیدی در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی ایجاد نموده و مدل‌های موجود حکمرانی در فضای مجازی را با چالش جدی مواجه کرده است. این‌ها بخش کوچکی از پیامدهای این ویروس است که می‌توان گفت برخی از آن‌ها حداقل در صدسال اخیر کم‌نظیر یا بی‌نظیر بوده است.

در این میان، اولین مواجهه با این ویروس را دانشمندان عرصه پزشکی، پزشکان و پرستاران داشتند و همه تلاش خود را برای حفظ سلامتی جان انسان‌ها به کار بستند، اما به تدریج با بروز پیامدهای فراگیر این ویروس در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، سیاسی، امنیتی و... اندیشمندان دیگر عرصه‌ها نیز وارد میدان شدند و به تحلیل و تفسیر ابعاد آن و چگونگی مواجهه و یا مقابله با آن پرداختند. آنچه در این نوشتار بدان خواهیم پرداخت، برداشت‌های سیاستی از مجموعه دوازده گفت‌وگوی کرونایی که در چهار محور: «دین‌داری اجتماعی»، «علوم اسلامی»، «خدمات اجتماعی» و «حکمرانی» است، سه مورد از آن، در این شماره «مجله حوزه» برای خوانندگان سامان یافته و به قرار ذیل است:

برای کاستن از ابعاد سیاسی دین‌داری اجتماعی در ایران دانسته و ضرورت بازخوانی ساختارهای ایجادشده برای مدیریت امور دینی را مطرح کردند

۲. آینده دین‌داری (از ظهور و افول برخی جریان‌ها تا تغییر در روندها و شاخص‌های دین‌داری): آینده دین‌داری در پی تحولات کرونا، از دیگر موضوعاتی بود که در این باره نظریات زیر طرح شد: یکی از پیامدهای شرایط فعلی، افزایش دین‌داری در فضای مجازی است، اما این افزایش، از دو منظر قابل بررسی است. برخی استادان معتقدند: چون کنش دینی بر مبنای عاطفه و احساس است و فضای مجازی، نمی‌تواند این حس را ایجاد کند، لذا استمرار دین‌داری در فضای مجازی، ضربه شدیدی به دین‌داری در جامعه ایران خواهد زد و در نهایت نیز منجر به تولید سکولاریزم دینی خواهد شد. در مقابل، گروهی دیگر معتقدند: گرچه دین‌داری می‌تواند با بُعد احساسی و عاطفی شروع شود اما ثبات و استمرار دین بر پایه فهم عمیق (عقلانی) و نه احساسی است و ساحت عقلانی با بُعد احساسی و عاطفی دین‌داری ملازم است. از سوی دیگر، فضای مجازی نیز در تقابل با فضای حقیقی نبوده و یک واقعیت است. از این‌رو، گسترش دین‌داری در فضای مجازی یک واقعیتی است که نمی‌توان مدیریت آن را رها کرد یا نسبت به آن بی‌توجه بود.

در صورت استمرار تعطیلی مناسک جمعی جدید و سنتی، سه برنامه برای دوران پساکرونا مطرح خواهد بود: ۱. بازگشت به عرصه‌های کنش سنتی دین‌داری با محوریت علما؛ ۲. ظهور جریان‌های جدید و به محاق رفتن جریان سنتی؛ ۳. زیست جریان‌های متعدد و متکثر دین‌داری با محوریت علما، مداحان و گروه‌های دیگر در کنار یکدیگر.

شرایط کرونایی نشان داد، سنجش دین‌داری صرفاً بر اساس حضور مردم در مناسک جمعی، شاخص کاملی نیست و از این‌رو، تغییر شاخص‌های سنجش دین‌داری بر اساس سه معیار آموزه‌های دین، کنش دین‌داران و تبار تاریخی و بسط فرهنگی اجتماعی و همین‌طور لحاظ حضور مردم در مناسک اجتماعی به عنوان بُعدی از ابعاد دین‌داری از ضروریات خواهد بود.

۳. تعطیلی و بازگشایی حرم‌های مطهر: زیارت حرم‌های مطهر یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در این ایام مورد توجه قرار گرفته است. عده‌ای معتقدند تعطیلی حرم‌ها، ضربه‌ای به دین‌داری جامعه ایران نخواهد زد و پس از برداشته شدن تعطیلی‌ها، حضور مردم در حرم‌ها به حالت قبل برخواهد گشت. گروهی دیگر نیز با توجه به احتمال خطر افزایش شیوع بیماری، بازگشایی حرم‌ها و مناسک و احتمال افزایش مبتلایان را

به بازگشایی محدود و مقید مناسک در ماه رمضان بر اساس پروتکل‌های بهداشتی سریع‌تر اقدام شود. در این راستا، استادان تأکید داشتند با توجه به چندبعدی بودن موضوع، حضور متخصصان و کارشناسان عرصه‌های مختلف مانند دین، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... برای اتخاذ تصمیمی صحیح لازم است.

۴. چگونگی تعامل حوزه علمیه با ستاد ملی کرونا: یکی دیگر از موضوعات شیوه تعامل حوزه علمیه با ستاد ملی کرونا و تصمیمات کرونایی ناظر به بخش دینی بوده است. در این جا نیز برخی بر این باور بودند، علی‌رغم تجربه تاریخی انفعالی حوزه علمیه در مواجهه با بخش‌های سیاست‌گذاری و تصمیمات ملی، در موضوع کرونا با حضور نماینده عالی حوزه‌های علمیه، و به صورت کاملاً انضمامی یک تجربه موفق رخ داده است، اما در مقابل گروهی، مواجهه حوزه علمیه در این موضوع تاریخی و همه‌گیر و همه‌جانبه را موضعی کاملاً انفعالی دانسته و بر این باورند روند تصمیمات به گونه‌ای است که به صورت پنهان روند سکولاریزاسیون در حال رخ دادن است. برخی دیگر معتقدند: بالابودن یک پارچگی اجتماعی و تاب‌آوری و مقاومت مردم در برابر بحران‌ها دو عامل مهم موفقیت جامعه در مواجهه با بحران‌هایی مانند کروناست که سیاست‌گذاران به صورت آگاهانه از

یک مخاطره بزرگ برای جریان دین‌داری دانسته‌اند. برخی نیز این پدیده را از حیث نمادین بررسی کرده و هم‌نشینی تعطیلی حرم‌ها با سایر پدیده‌ها مانند تعطیلی اماکن تاریخی و بازار را دارای یک معنای تقلیل‌گرایی ابعاد معنوی و فرامادی حرم‌ها در اذهان عمومی مردم دانسته‌اند. گروهی از منظر فقهی به این مسئله پرداخته و بر این باورند مواجهه حوزه علمیه با پدیده تعطیلی حرم‌های مطهر و نمازهای جمعه و جماعت، نمادی از پویایی فقه شیعه و نشان از اهمیت علما و مراجع نسبت به حفظ جان انسان‌ها دارد. ولی در مقابل، گروهی تعبیر این شیوه کنش‌گری حوزه علمیه به عنوان نمادی از «پویایی فقه»، را تقلیل‌گرایی فقه پویا دانسته و بر این باورند فقه، زمانی پویایی خود را اثبات خواهد کرد که به مسائل و آسیب‌هایی که به واسطه تعطیلی مناسک بر دین‌داری فردی و اجتماعی پدید آمده، پاسخ‌گو باشد. برخی استادان نیز معتقدند: پذیرش تعطیلی حرم‌ها و مناسک در ابتدای شیوع بحران، نمادی از عقلانیت شیعه در مواجهه با بازنمایی‌های منفی علیه این نهاد و تلاشی برای حفظ حیثیت و کیان دین بود و سرمایه اجتماعی این نهاد را افزایش داد اما استمرار آن با توجه به بازگشایی بسیاری از بخش‌های دیگر از یک‌سو و پایین آمدن میزان تاب‌آوری بخشی از مردم، نسبت

این ظرفیت‌ها که توسط بخش فرهنگ دینی به وجود آمده استفاده می‌کنند، اما در مقام سیاست‌گذاری نسبت به بخش فرهنگ دینی و حمایت از مرکزیت بخشی به نهادهایی مانند مسجد غفلت کرده و تمرکز خود را بر دو حوزه بهداشت و اقتصاد قرار می‌دهند.

۵. مواجهه حوزه علمیه با علم پزشکی مدرن: مواجهه حوزه علمیه با علم پزشکی و پذیرش یا عدم پذیرش نگاه متخصصان پزشکی، دیگر محور مورد بحث در این وبینارها بود. عده‌ای پذیرش نگاه متخصصان در تعطیلی مناسک و زیارتگاه‌ها را نقطه عطفی در تاریخ حوزه دانسته و معتقد بودند، که نگاه اجتماعی به دین و پذیرش تخصص نهاد علم راهکاری برای مقابله با سکولاریزاسیون است و اگر حوزه علمیه این کار را نمی‌کرد آغازی بر روند سکولاریسم طولانی در حوزه می‌شد. در مقابل گروهی معتقد بودند: شروع سکولاریزاسیون لزوماً فلسفی نیست و گاهی اوقات از بُعد روانی و احساسی شروع می‌شود و شیوه مواجهه با تصمیمات ستاد ملی و پذیرش نگاه‌های اصطلاحاً علمی، شروع فرایند سکولاریزاسیون خواهد بود. در این نگاه تأکید می‌شود علم، صرفاً علم پزشکی نیست و ضرورت دارد از یک‌سونگری در حاکمیت نگاه پزشکان در این موضوع پرهیز شود.

۶. خلاهای نظری، فقدان تحقیقات میدانی و ضعف بازنمایی مدل ایرانی: خلأ نظری در بازخوانی جامعه ایران و رفتارهای دینی و مذهبی ایرانیان، مسئله‌ای است که تمامی دغدغه‌مندان بر آن تأکید دارند. این خلأ از دو جهت باید مورد دقت گیرد: ۱. ضعف‌های جدی در بنیان‌ها و چارچوب‌های نظری برای مطالعه ابعاد دین‌داری و رفتارهای اجتماعی مردم مسلمان ایران؛ ۲. ضعف تحقیقات میدانی و پیمایشی جامع در بررسی رفتار اقشار مختلف جامعه ایران برای حضور در مناسک مذهبی، مانند زیارت حرم‌های مطهر و شب‌های قدر.

در ساحتی دیگر فقدان این تحقیقات، باعث شده است میزان خودباوری برای ارائه مدل ایرانی در مواجهه با کرونا در سطح جهانی در مقابل مدل‌های چینی و غربی پایین باشد. این در حالی است که با توجه به وجود ظرفیت‌های فرهنگی و دینی در ایران و حضور فعالانه فرهنگ دینی در مواجهه با این بحران و بالابودن یک پارچگی نرم اجتماعی (علی‌رغم ضعف‌های جدی یک پارچگی سیستمی) از یک سو و ویژگی‌های خاص ایران مانند شرایط تحریمی اهمیت ارائه مدل ایرانی در مقابل مدل‌های دیگر بسیار بالاست.

بخش دوم: علوم اسلامی و کرونا

در بخش علوم اسلامی، از سه حوزه فقه، کلام و عرفان در مورد کرونا و موضوع

واژه الم به جای کلمه شَر استفاده کرد. از این منظر نگاه عدمی به شَر، مسئله را حل نمی‌کند؛ ثانیاً، در این نگاه، شَر نیز مخلوق خدا و یک امر وجودی است. بر این اساس اموری مانند سیل و زلزله شَر نیست، بلکه باعث شَر، درد و رنج می‌شود که می‌تواند مسیری باشد برای تضرع و تواضع به درگاه الهی باشد.

● بخش سوم: خدمات اجتماعی و کرونا (مطالعه فعالیت گروه‌های جهادی طلبه)

مهم‌ترین موضوعاتی که در این بخش، مورد بحث قرار گرفت به شرح زیر می‌باشد:

۱. تناسب خدمات اجتماعی و هویت طلاب: تناسب خدمات اجتماعی ارائه شده از سوی طلاب با هویت و شأن حوزوی آن‌ها از سؤال‌های اصلی این حوزه است. برخی از فعالان بر این باور بودند، وظیفه طلبه، رسیدگی به مسائل و مشکلات مردم است و در این مسیر، هر اقدامی که در توان طلبه باشد انجام می‌دهد. این گروه معتقدند، در صورتی که روحانیت در کنار مردم باشد، زمینه برای تأثیرگذاری روحانیت در ابعاد خاص دینی فراهم خواهد شد. بر اساس این نگاه، حضور طلاب جهادی در بخش‌های ملموس و عینی که برای مردم به سرعت قابل درک و مشاهده است، به شدت افزایش پیدا می‌کند اما گروهی از این رویکرد را در

شَر بحث شد، که براینده آن عبارتند از:

۱. فرصت‌ها و چالش‌های کرونا برای فقه: از نگاه فقهی، کرونا دو فرصت: «انتقال ذهنیت و تجربه فقهی به فضاها و مسائل کلان جهانی و انسانی» و «امکان‌یابی فقه برای پرداختن آزادانه‌تر، دقیق‌تر، و مناظمحورتر به جنبه‌های آیینی و مراسمی» را ایجاد کرد، در عین حال این اپیدمی دو چالش: «برآمدن و آشکارشدن نیاز جامعه به پاسخ‌های دینی فراتر از پاسخ‌های صرفاً فقهی» و «نیاز جامعه به پاسخ‌های فوری و به‌هنگام و نه پاسخ‌های کند و آرام» را نیز برای علم فقه بوجود آورد.

۲. کرونا و مسئله شَر در عالم (شَر؛ یک واقعیت عینی یا امری عدمی): یکی از سؤال‌های نظری در این گفت‌وگو و خصوصاً در دانش کلام از یک سو و عرفان و فلسفه از سوی دیگر، پرسش از نسبت میان کرونا و شَر در عالم است. آیا کرونا یک شَر واقعی است یا کرونا نیز مخلوقی از مخلوقات خداوند و یا امری برساخته انسان و فعل انسانی است؟

در نگاه عرفانی، اصل بر این است که از خداوند جز کار خیر صادر نمی‌شود و شَر اساساً امری عدمی است. در نگاه‌هایی همچون نظریه صدور و هم‌چنین در نظام احسن، هر چه در نظام هستی هست و خدا آن را آفریده، همه خیر و همه جلوه‌های الهی است. اما در نگاه کلامی اولاً، باید از

بلندمدت خطرناک دانسته و معتقدند در صورت استمرار این نگاه، روحانیت با بحران هویت مواجه خواهد شد.

ورود به کارهایی که وظیفه تخصصی سایر گروه‌هاست، گرچه در یک مقطع خاص بحرانی شاید مناسب و لازم باشد، اما استمرار آن سبب خواهد شد آن گروه از وظیفه خود شانه خالی کند و روحانیت نیز از انجام وظایف و شئون اختصاصی خود ناتوان شود. به اعتقاد این گروه، استمرار این رویکرد، کمک‌ها و خدمات طلاب را به امور مادی و یدی تقلیل خواهد داد و حوزه‌های فکری و معنوی که نیازمند حضور جدی طلاب و وجه تمایز آن‌هاست مورد غفلت واقع خواهد شد.

۲. الگوی تبلیغ دین در خدمات اجتماعی: نداشتن الگوهای تعریف شده برای تبلیغ دین در ضمن خدمات اجتماعی از مسئله‌های مهم فعالان و مسئولان حوزوی است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد، چالش اصلی در نبود مطالعات پشتیبان ناظر به نسبت و ارتباط تبلیغ دین با خدمات اجتماعی و خلاءهای تئوریک در سامان‌دهی نحوه شروع و استمرار فعالیت‌های جهادی طلاب در این حوزه است.

۳. ویژگی‌های فعالیت جهادی و مستندسازی و بازنمایی آن: در این باره برخی معتقدند: رفتن گروه‌های جهادی به سمت ساختارسازی و نهادسازی و تخصیص پاداش و انگیزه‌های مادی برای

فعالان و حتی رسانه‌ای کردن فعالیت‌ها در تناقض با ماهیت و فلسفه گروه‌های جهادی خواهد بود. این در حالی است که تجربه‌های اخیر نشان می‌دهد با بزرگ شدن و گسترش فعالیت یک گروه جهادی، راهی جز ساختارسازی و تدوین سیاست و اصول برای فعالیت‌ها وجود ندارد.

البته نظریات درباره معنا و مفهوم ساختار و چگونگی انجام آن متفاوت است. در بعد سیاست و اصول نیز عده‌ای بر این باورند، تصریح و تدوین رسمی این اصول از ایجاد برخی چالش‌ها خصوصاً در ساحت رسانه‌ای پیش‌گیری خواهد کرد. نکته دیگر این‌که، ثبت و مستندسازی تجارب و دانش فعالان میدانی است که برخی گروه‌ها به آن توجه کرده‌اند، اما هم‌چنان یک حلقه جدی مفقود در این حوزه است. در حوزه رسانه نیز، تقریباً تمامی فعالان بر این باور بودند، ضعف در حوزه رسانه و بازنمایی فعالیت‌های جهادی طلاب، از چالش‌ها و مسائل جدی این حوزه است.

۴. چگونگی پشتیبانی نهاد حوزه از فعالیت طلاب جهادی: یکی از سؤال‌های جدی دیگر این است که نهاد حوزه چگونه از طلاب جهادی پشتیبانی کند؟ چگونگی هماهنگی نیروهای طلبه با یک‌دیگر، پشتیبانی رسمی، حقوقی و به‌ویژه امور بیمه‌ای از نیروهای جهادی،

بخش بسیار زیاد است. برخی با نگاهی کاملاً منفی تعامل با نهادهای رسمی را به معنای اتلاف وقت می‌دانند و به صورت خودجوش و از طریق ارتباطات غیررسمی وارد محیط بیمارستان شدند و برخی دیگر بر این باورند باید از تجربه نهادسازی چهل ساله انقلاب اسلامی استفاده شود و ورود به محیط‌های بیمارستانی و غیر بیمارستانی در صورتی پایدار خواهد بود که هماهنگی‌های رسمی و اداری انجام شده باشد.

و از سوی دیگر، این تعامل سبب خواهد شد میان ظرفیت‌های مختلف کشور، هم‌افزایی ایجاد شده و از تداخل وظایف و هم‌پوشانی و موازی کاری جلوگیری شود. چگونگی استفاده از نیروهای جهادی و تفکیک میان گروه جهادی و مدیر جهادی و تفاوت مبنای گروه‌های جهادی و اداری در دو تئوری خادمیت و عاملیت از دیگر مباحث مطرح در این حوزه بوده است. هم‌چنین برخی استادان نیز با تمرکز بر وظایف حاکمیت، پیشنهاد ایجاد سامانه‌های پشتیبان برای به‌اشتراک‌گذاری ایده‌ها، تجارب، نیازمندی‌ها و توانمندی‌ها را مطرح کردند.

۶. موقعیت مسجد و استمرار فعالیت‌ها: گروه‌های جهادی برای پرهیز از چالش موقتی‌بودن که صرفاً در هنگام بحران‌ها ایجاد می‌شود؛ نیازمند داشتن یک پایگاه

انتقال تجربه نیروهای جهادی به فعالان دیگر کشورهای اسلامی و استفاده از تجارب فعالان دیگر کشورها از جمله این موضوعات است. افزون بر این‌ها، نهاد حوزه برای پایداری حضور طلاب در این عرصه، زمینه‌های فکری و انگیزه‌های را معنوی با استفاده از راهکارهای مختلف مانند بازخوانی تجربه دفاع مقدس، تقویت کند. با نگاهی به آینده، یکی دیگر از مسائل اصلی، رشد هدف‌مند و برنامه‌ریزی‌شده یا رشد خودجوش و بدون برنامه گروه‌های جهادی است. از آن‌جا که این موضوع، تأثیری جدی بر ساختار و آینده آموزشی و تعاملاتی حوزه علمیه با مردم خواهد داشت، لازم است از یک‌سو، نظام برنامه‌ریزی و رسمی حوزه علمیه با نگاهی آینده‌پژوهانه به این موضوع بیندیشد و از سوی دیگر، لازم است برای استمرار موفقیت این گروه‌ها هوش آینده‌نگر در آن‌ها تزریق شود تا از بحران هویت در آینده آنان به دلیل مواجه شدن با بحران‌های متکثر و متنوع جلوگیری کند.

۵. چگونگی تعامل و همکاری با نهادهای رسمی (دولتی و حاکمیتی): در کنار تعامل با نهاد حوزه، مسئله اصلی و فراگیر تمامی گروه‌های جهادی، شیوه تعامل با نهادهای رسمی اعم از حوزوی و دولتی و حاکمیتی است. تفاوت نظر و رویکرد در میان گروه‌های جهادی در این

فیزیکی و ثابت هستند که در طول زمان ارتباط مستمری برای جذب، نگه‌داری و ارتقای نیروهای خود داشته باشند. با توجه به اهداف و مأموریت تمدنی انقلاب اسلامی و شئون طلبگی، موقعیتی بهتر از «مسجد» برای این مأموریت وجود ندارد که متأسفانه در موقعیت کرونا، آن چنان که می‌شد از این جایگاه استفاده شود و آن را به جایگاه ممتاز و حقیقی خود نزدیک کند، استفاده نشد.

پی‌نوشت:

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. عضو هیئت علمی مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. این عبارت را مقام معظم رهبری در جلسه ستاد ملی کرونا (۹۹/۲/۲۱) به کار بردند.